

فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی

Human Sciences Research Journal

دوره چهارم، شماره ۳۲، زمستان ۱۳۹۹، صص ۳۰۳-۳۱۹
New Period 4, No 32, 2021, P 303-319

شماره شاپا (۲۴۷۶-۷۰۱۸) ISSN (2476-7018)

تأثیر شبکه های اجتماعی موبایل محور بر مشارکت سیاسی در عصر حاضر

دکتر رضا پریزاد^۱. محمد تقی پور طاهر^۲

۱. عضو هیات علمی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، ایران

۲. دانشجوی دکترا، گرایش مسائل ایران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم، ایران

چکیده

با گسترش روزافزون شبکه های اجتماعی، محققان رشته های مختلف علوم اجتماعی به بررسی تاثیرات مختلف این شبکه ها پرداخته و آن را از منظرهای مختلف واکاوی نموده اند. حال این سوال مطرح می شود که تاثیرات سیاسی این شبکه ها به چه صورت خود را نمایان می سازد؟ فرضیه این مقاله آن است که شبکه های اجتماعی در عصر کنونی تاثیرات بسزایی بر مسائل سیاسی برویه مشارکت سیاسی دارد. که بسته به یزگی های مخاطب و نحوه استفاده او مثبت یا منفی خواهد بود. در این مقاله ما درصد بررسی کم و کیف تاثیر شبکه های اجتماعی بر روی مشارکت سیاسی هستیم و این تاثیر را از دو جنبه منفی و مثبت بررسی می کنیم. همچنین با بررسی مساله از منظر محققان علوم اجتماعی، امکانات سیاسی تکنولوژیک شبکه های اجتماعی در حوزه مشارکت، چون امکان پژوهش آنلاین، تشکیل گروهها و دسترسی به اخبار معتبر سیاسی را روشن می کنیم. سپس امکانات تعاملی این شبکه ها چه به صورت بین فردی و چه به صورت تعامل با نظام سیاسی را تشریح کرده و به توضیح دو نمونه از این تعامل یعنی بررسی جنبش های اجتماعی (تعامل از پایین) و نحوه حکومت داری خوب (تعامل از بالا) و تاثیر رسانه های اجتماعی بر این دو مورد می پردازیم.

واژه های کلیدی: شبکه اجتماعی، مشارکت سیاسی، رسانه های نوین، اینترنت، اجتماعات مجازی سیاسی.



مقدمه

مفهوم مشارکت سیاسی در عصر اطلاعات و گسترش ارتباطات دیجیتال، تبدیل به موضوعی حساس با مفهومی چندگانه شده است. با تغییر نوع زندگی شهروندان و ایجاد شبکه جدید زندگی، مبتنی بر وب و فضای مجازی، درگیری شهروندان در فضای مجازی و ایجاد اجتماعات دیجیتال، زندگی سیاسی شهروندان نیز با تاثیر از این شبکه زندگی، شکل و سیاق جدیدی همانگ با این نوع از زندگی یافته است. با گسترش این نوع از رسانه‌های نوین با ویژگی‌های خاص خود چون تعاملی بودن، امکان ایجاد رابطه دو یا چند سویه و بازخوردی فراهم گردیده است. چنین امکانی اکنون با ایجاد شبکه‌های اجتماعی سهل و آسان‌تر نیز شده است (بابایی، ۱۳۹۱: ۶).

مهمنترین عاملی که نقش رسانه نوین را از سایر وسائل سنتی متمایز می‌سازد، قابلیت مبادله هم زمان اطلاعات است. این ویژگی در سایر وسائل ارتباط جمعی تقریباً وجود ندارد. عامل بعدی میزان اطلاعاتی است که در واحد زمان ارسال می‌شود. همچنین امکان چند رسانه‌ای بودن، آن را حد یک پدیده کاملاً انحصاری از سایر پدیده‌ها جدا می‌سازد. آخرین عامل، عدم امکان کنترل موثر تکنیکی و حقوقی در شرایط حاضر است. فناوری‌های مبتنی بر وب و ایجاد پلتفرم‌های اجتماعی شبکه‌های اجتماعی مجازی، به لحاظ عمومیت یافتن و محبوبیت در میان کاربران، فضاهای سنتی را درنوردیده و با کوچک کردن فضا، تبدیل شدن به یک ارتباط خصوصی و شخصی و فارغ بودن از کنترل موثر از سوی مراجع قدرت، به وسیله‌ای بی‌بدیل در عرصه ارتباطات تغییر یافته و زمینه‌های تاثیرگذاری خارج از کنترل دولت‌ها و نهادهای قدرت را در جوامع به وجود آورده‌اند (حافظ نیا، ۱۳۹۱: ۱۳۳).

اینترنت دارای قابلیتی است که به واسطه آن افراد می‌توانند خودهای جدیدی را در دنیاهای جدید بسازند. این امور ممکن است در دنیای مادی اصلاح و وجود خارجی نداشته باشند، یا فرد بهزעם خودش قادر به دستیابی به آن نباشد. این موارد استفاده از فضای مجازی را برای کاربران جذاب‌تر می‌کند (اسلوین، ۱۳۸۰: ۱۵۶). بنابراین روز به روز قشرهای مختلف از پایگاه‌های اجتماعی گوناگون وارد این شبکه‌ها می‌شوند. شواهد تجربی نشان می‌دهد که میان گسترش رسانه‌ها و توسعه فرهنگ مردم سالارانه در یک کشور رابطه وجود دارد؛ به طوری که برخی محققان معتقدند رسانه‌ها عنصر مهم مردم سالاری را تشکیل می‌دهند. اینترنت با توجه به ویژگی‌هایی چون تعاملی بودن، همزمان بودن ارتباط، همه جایی بودن، فقدان کنترل مرکزی، فقدان مالکیت بر شبکه و سانسور گریزی، فضای مناسبی برای احیای ابعاد از دست رفته مشارکت سیاسی و دموکراسی، در جوامع پیشرفت و تقویت مردم سالاری جوان در جوامع در حال توسعه به وجود آورده است (مسعود نیا، ۱۳۹۰: ۱۷۲).

اما محققانی نظری پوتانم از تاثیر منفی رسانه‌های ارتباطی جمعی در فرایند اجتماعی شدن و بسیج سیاسی شهروندان بحث می‌کنند و نشان می‌دهند که رسانه‌ها به خصوص تلویزیون به طور بالقوه به انفعال شهروندان منجر می‌شود. بسیاری از محققان عقیده دارند که تکنولوژی‌های رسانه‌ای جدید موضوعات



جدیدی را پیش کشیده‌اند که باعث سازماندهی دوباره تعلقات سیاسی پیشین شده است. فرض اساسی اثرات سیاسی رسانه، این مساله است که رسانه‌های اجتماعی، فراهم کننده اطلاعات مقدماتی سیاسی است. هم‌فکری با دیگران در آخر باعث رسیدن به یک توافق پایه‌ای در مورد واقعیت‌های اجتماعی می‌شود (همان: ۱۷۳).

اینترنت با جای دادن طیف گسترده‌ای از بازیگران و کنشگران سیاسی - اجتماعی در فضای مجازی و سایبریتیکی خود، از یک سو ابزاری برای تبلیغ و اشاعه نمادهای سیاسی - اجتماعی و فرهنگی، باورها و عقاید کنشگران گوناگون است و از سوی دیگر منبعی مهم در ارائه آگاهی‌های سیاسی - اجتماعی در جهان، عامل ارتباط فعالان سیاسی با مردم و در نهایت برانگیزانده مهم رفتارهای اعتراضی و بسیج اعتراض‌ها به شمار می‌رود (سردارنیا، ۱۳۸۸: ۱۵۲). استفاده زیاد از اینترنت با توجه به جوان بودن و تحصیلات بالای اکثر کاربران، باعث گسترش اعتماد و ارتباط سیاسی بین شهروندان می‌شود. شبکه‌های اجتماعی مجازی نیز به طور کلی با اهدافی از قبیل سازماندهی انواع گروه‌های اجتماعی مجازی، توسعه مشارکت‌های اجتماعی و به اشتراک گذاری علاقه‌مندی‌ها، باعث می‌شود کاربران علائق و دل مشغولی‌های خود را با یکدیگر به اشتراک بگذارند. یکی از تاثیرات شبکه‌های اجتماعی، شکل‌گیری مفاهیمی چون صمیمت و اعتماد در فضای سایبر است. مفاهیمی که در گذشته دستیابی به آنها در حد یک روایا بوده است (اسلامی، ۱۳۹۱: ۴).

مزایای شبکه‌های اجتماعی که باعث استقبال از آنها شده است شامل موارد زیر است: انتشار سریع و آزادانه اخبار و اطلاعات، افزایش قدرت تحلیل و تقویت روحیه انتقادی (هر چند امکان انتشار اطلاعات نادرست وجود دارد، اما مخاطب می‌تواند اطلاعات را در پایگاه‌های مختلف با هم مقایسه کند و حتی میتواند از این طریق قدرت نقد و تحلیل خود را افزایش دهد)، شکل‌گیری و تقویت خرد جمعی که به عنوان یک پردازشگر بزرگ عمل می‌کند (نیروی ذهن و تفکر کاربران شبکه‌های اجتماعی با یکدیگر ترکیب می‌شود و نیروی بزرگی را ایجاد می‌کند).

۱- شبکه اجتماعی (آنلاین)

شبکه اجتماعی آنلاین در ذیل مفهوم رسانه اجتماعی قرار می‌گیرد که البته عمدۀ بار مفهومی این اصطلاح مربوط به شبکه‌های اجتماعی است. تعاریف موجود از رسانه اجتماعی سیار متنوع است. اغلب این تعاریف بر دو عنصر اشتراک گذاری و تعامل تاکید دارند. برخی از تعاریف تولید و انتشار محتوا را بر جسته تر کرده‌اند و رسانه‌های اجتماعی را رسانه‌ای دانسته‌اند که امور تولید و یوپلئو، صدا، متن یا چند رسانه‌ای در آن توسط کاربران انجام می‌شود و در محیط اجتماعی مجازی مشترک بین افراد به اشتراک گذاشته می‌شود (عبداللهی، ۱۳۹۱: ۱۴۹).



فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی

رسانه اجتماعی نرم افزاری است که افراد را قادر می‌کند تولیدات خود را به صورت آنلاین و مستقیم انتشار دهند و امکان ایجاد اجتماعات بین افراد و سازمان‌ها را بدون فیلتر امکان‌پذیر می‌کند. رسانه اجتماعی برای اهداف متفاوتی به کار برده می‌شود و سکویی برای معرفی خود، و ابزاری برای مدیریت روابط و اطلاعات ارائه می‌کنند.

اصطلاح شبکه‌های اجتماعی را برای نخستین بار چیای بارنز در سال ۱۹۵۴ طرح کرد و از آن پس به سرعت به مفهومی کلیدی در تحقیقات و مطالعات بدل گشت. در تئوری شبکه اجتماعی سنتی، یک شبکه اجتماعی به این صورت تعریف می‌شود: مجموعه‌ای از نهادهای اجتماعی شامل مردم و سازمانها که به وسیله مجموعه‌ای از روابط معنی‌دار اجتماعی به هم متصلند و با هم در به اشتراک گذاشتن ارزشها تعامل دارند. شکل سنتی خدمت شبکه اجتماعی بر انواع روابط همچون دوستی‌ها و روابط چهره به چهره متمرکز است اما خدمات شبکه اجتماعی امروزه بیشتر بر جامعه مجازی آنلاین و ارتباطات کامپیوتر واسطه متمرکز است (معمار، ۱۳۹۱: ۱۵۷). شبکه اجتماعی مجازی شبکه‌ای است که اشخاص را برای ایجاد و نگهداری ارتباطات شخصی توانا می‌سازد. شبکه اجتماعی مجازی دارای فضایی است که اجازه می‌دهد افراد در جامعه‌ای جدید، به طور مجازی زندگی کنند و ضمن حفظ ارتباط خود، دوستان جدید بیابند و بستری برای برقراری ارتباط و بحث و مبادله نظر فراهم کنند.

تمرکز ما در این تحقیق بر روی انجام فعالیتهای مربوط به امور عمومی و فعالیت‌های سیاسی از قبیل یادگیری اشخاص در مورد انجام فعالیت و مشارکت سیاست محور، بحث در مورد موضوعات داغ سیاسی و اشتراک گذاری اخبار و اطلاعات سیاسی است.

۲- مشارکت سیاسی

مشارکت یکی از شاخص‌های توسعه سیاسی است که مفهوم عام آن به معنای شرکت در فعالیت سیاسی یا حضور در گروه یا سازمان، برای تصمیم‌گیری و پذیرش نقش است (مسعودنیا، ۱۳۹۰: ۱۸۰). مشارکت به طور کلی شرکت مستقیم یا غیر مستقیم در شکل دادن به حیات اجتماعی و سیاسی است. ماهیت اساسی مشارکت: فعالیت شهروندی، رای دادن و دیگر شکل‌های مشغولیت‌های انتخاباتی، تماس با مقامات عمومی، عضویت در سازمان‌های مدنی، یا حتی اعتراض و تظاهرات است. در فرهنگ جامعه‌شناسی، مشارکت سیاسی این گونه تعریف شده است: شرکت در فراگردهای سیاسی که به گرینش رهبران سیاسی منجر می‌شود و سیاست عمومی را تعیین می‌کند یا بر آن اثر می‌گذارد (ابرکرامی، ۱۳۶۷: ۲۸۶). اهمیت مفهوم مشارکت برای دموکراسی به گونه‌ای است که بسیاری از محققان مفهوم دموکراسی را در پیوند با مفهوم مشارکت تعریف می‌کنند و دموکراسی را مشارکت فعال و داوطلبانه مردم در اداره کارهای عمومی می‌دانند (عالی، ۱۳۸۳: ۲۸۴). الن دونبنا با تأکید بر مسئله دموکراسی معتقد است که حاکمیت مردم در مشارکت عمومی متجلى می‌شود. منظور وی از مشارکت این است که فرد به تجربه شخصی خود را



عضوی از جماعت و جزئی از کل بدن بداند و نقش فعالی را که در این گونه تعلق ووابستگی مستمر است به درستی ارائه کند (عالی زاده، ۱۳۸۸: ۱۲۲).

بسیاری از دانشمندان علوم سیاسی مشارکت سیاسی را در دو نوع متعارف و غیر متعارف تعریف می‌کنند:

۱. مشارکت سیاسی متعارف: با شرکت در احزاب و سازمان‌های رسمی، شرکت در انتخابات، حضور در راهپیمایی‌ها، گفت و گو درباره مسائل سیاسی، کمک مالی به گروه‌های سیاسی تعریف می‌شود. مشارکت سیاسی متعارف نیز در ذیل دو نوع بررسی می‌شود: شیوه‌های مشارکت سیاسی مربوط به انتخاب کردن همانند رای دادن و مبارزات انتخاباتی، و دیگر شیوه‌های مشارکتی که غیر انتخابی هستند مانند تماس‌های شهروند محور با مقامات رسمی، پیوستن به سازمان‌ها.

۲. مشارکت سیاسی غیر متعارف: مشارکت غیر متعارف هر گونه عمل داوطلبانه‌ای است که اعضای جامعه به منظور تأثیرگذاری بر نظام و جریانات سیاسی و در خارج از چارچوب‌های تعیین شده و رسمی توسط سازمان‌ها و نهادها رسمی کشور انجام می‌دهند (مسعودی، ۱۳۹۰: ۱۸۱). این نوع مشارکت شامل اعتراض‌ها، تظاهرات خیابانی، بست نشستن‌ها، ایجاد راهبندان، و اشغال اماکن. صورت‌های کنش جمعی کم و بیش تعارض آمیز برای مطالبات اجتماعی که زندگی سیاسی را خارج از انقضای دوره‌های انتخاباتی به چالش می‌کشند.

اخيراً با پیشرفت سریع اینترنت مردم می‌توانند به صورت آنلاین در سیاست مشارکت کنند. همانند پیوستن به گفت و گوهای گروهی آنلاین یا سازمان‌های مجازی، بحث‌های سیاسی، گفت و گوی چهره به چهره با مقامات رسمی که اکنون به صورت وسیعی در رسانه‌های اجتماعی عضویت دارند، عضویت در گروه‌ها یا کانال‌های شخصیت‌های مستقل یا مطرح مانند استادان دانشگاه، کارشناسان رشته‌های مختلف، شرکت در گفت و گویی که برای بررسی سیاست‌های عمومی تشکیل شده‌اند.

۳- تأثیرات شبکه‌های اجتماعی بر مشارکت سیاسی

زیمل یکی از اندیشمندان جامعه شناسی کلاسیک، عضویت در شبکه‌های اجتماعی را باعث خودآگاهی و رشد فردیت در افراد می‌داند. طبق نظر زیمل هرگاه عضویت در یک یا چند حلقه اجتماعی جایش را به یک جایگاه اجتماعی در شبکه‌ای از حلقه‌های گوناگون اجتماعی دهد، شخصیت فرد دگرگون می‌شود. وابستگی چندگانه به انواع حلقه‌های اجتماعی به خود آگاهی بیشتری می‌انجامد. انسباب تعلق گروهی یک نوع احساس منحصر به فرد بودن و آزادی را بیدار می‌سازد. پس وجود شبکه حلقه‌های اجتماعی پیش شرط پیدایش فردگرایی است (کوزر، ۱۳۹۰: ۲۶۴). از آنجا که هر شبکه اجتماعی مجازی می‌تواند سطح متفاوتی از اجتماعی سازی را فراهم کند با استفاده از این سطوح می‌توان آن را طبقه‌بندی کرد: سطح اول دسترسی به اطلاعات شبکه را ممکن می‌سازد. سطح دوم سبب می‌شود کاربران محتواهای دیجیتالی را مبدله کنند و سطح سوم، امکان پیوستن و مشارکت در یک منفعت جمعی یا به عبارتی مشارکت در یک اقدام



هماهنگ را برقرار می کند و سطح چهارم باعث می شود اعضا پروفایل های خود را آشکار، شبیه سه بعدی مشاهده کنند (خلیلی، ۱۳۸۸: ۱۳۵).

پس شبکه های آنلاین امروزه با این امکانات و سطح دسترسی بالا، توانایی اثر گذاری بالقوه بر فرایند مشارکت های سیاسی و اجتماعی کاربران را دارد.

چهار بعد استفاده از سایت های اجتماعی شامل: تبادل اطلاعات و استفاده ابزاری، استفاده ارتباطی و شبکه سازی اجتماعی، کاربرد به صورت سرگرمی و پایه ای برای فعالیت های سیاسی می باشد. طبقه بندی زیر نیز در این خصوص قابل توجه است:

اشتراک گذاری اطلاعات: شهر و ندان اغلب در مراحل اولیه آن در مورد برنامه ها آگاه می شوند.

مشورت: شهر و ندان جویای نظر دیگران درباره عقایدشان می شوند.

همکاری: شهر و ندان برای مشارکت فعال در انجام امور دعوت می شوند.

قدرت واگذارشده: شهر و ندان در اجرای برنامه مسئولیت می گیرند.

فعالیت حرفه ای: شهر و ندان بنیان گذار و کنترل کننده هستند.

تحلیل ها، استدلالی بر خلاف این دیدگاه که اینترنت تاثیر منفی بر مدنیت و التزام سیاسی دارد پیدا کرده اند؛ هر چند هنوز از امکان ایجاد یک تاثیر باثبات بر روی التزام سیاسی با استفاده از اینترنت موفق نبوده اند.

مطالعه ما بر روی شبکه اجتماعی تممرکز است که مجموعه ای است از امکان ارتباط آنلاین (چت)، بارگذاری ویدئو، فرستادن ایمیل، شکل گرفتن گروه های گفتگویی و اشتراک گذاری فایل ها.

دیدگاه ها در مورد امکان ایجاد مشارکت سیاسی با استفاده از اینترنت یا شبکه های اجتماعی آنلاین، متفاوت است. در مطالعات مربوط به مشارکت سیاسی و سایت های اجتماعی دو فرض مطرح می شود:

نخست تفاوت بین مشارکت سیاسی آنلاین و مشارکت سیاسی آفلاین و همچنین بحث های مربوط به مشارکت سنتی و شکل های جدید مشارکت. فرض دوم مربوط به نحوه استفاده کاربران شبکه های اجتماعی از این شبکه هاست.

مشخص کردن نحوه استفاده مردم از این سایت ها تغییر بزرگی بر روی قضاوت در مورد تاثیر این شبکه ها بر روی مشارکت ایفا می کند. مردم از این شبکه ها برای حفظ روابط، ایجاد یا حفظ هویتشان، پایش اجتماعی، اشتراک اطلاعات و برای سرگرمی استفاده می کنند.

استفاده از این ابزار تنها برای اهداف سرگرمی، تاثیر منفی بر مشارکت مدنی ایفا می کند و شناخت و مشارکت، موقعی دست یافتنی است که هدف استفاده از این رسانه ها، با اطلاع و آگاهانه باشد.

تحقیقات در مورد راههای مختلف دسترسی به اینترنت دو نتیجه دربرداشته است: نخست میزان استفاده از اینترنت و دوم شکل استفاده از آن. درباره میزان استفاده از اینترنت تحقیقات نشان داده است که بستگی به

انگیزش ها، امکانات و مهارت های استفاده کننده دارد و همبستگی نزدیکی با سه شکاف مختلف اجتماعی دارد.

نخست شکاف اجتماعی- اقتصادی: افرادی با درآمد اقتصادی و آموزش نسبتاً پایین استفاده کمتری



از افرادی با درآمد و آموزش نسبتاً بالا دارند. دوم شکاف جنسیتی: زنان کمتر از مردان از اینترنت استفاده می‌کنند. شکاف آخر شکاف سنی است. افراد مسن تر استفاده کمتری از این وسیله دارند.

در مورد شکل های استفاده از اینترنت تقیسم بین کسانی است که دارای عالیق سیاسی هستند و از شبکه و اینترنت برای اهداف سیاسی استفاده می‌کنند و کسانی که این کار را انجام نمی‌دهند. شبکه های اجتماعی یکی از کانال هایی است که افراد از طریق آن نقش اجتماعی خود را بازی می‌کنند. برای مثال جوانان برای مستحکم تر کردن ارتباطات خود و در درجاتی کمتر برای آشنایی با افراد جدید به این سایت ها می‌پیوندند. به علاوه این راه جدیدی است برای تبادل اطلاعات و بحث های موضوعی هم به صورت خصوصی هم به صورت عمومی. تعاملات منظم بین کاربران شبکه های اجتماعی می‌تواند باعث پرورش اعتقاد و قواعد عمل متقابل شود که کلید اولیه برای زندگی اجتماعی هستند.

برخی از صاحب نظران، این دیدگاه ها را در سه بخش مختلف تقسیم بندی کرده اند. دسته نخست محققان خوش بین، دسته دوم نرمالیست ها و دسته سوم محققان بدین به این روند هستند. از آنجا که بین دیدگاه های نرمال و خوش بین تفاوت های چشم گیری وجود ندارد و در کل این دسته از محققان بیشتر بر جنبه های مثبت این موضوع ورود می‌کنند، ما در این تحقیق تنها دو دیدگاه خوش بین و بدین را به صورت کلی یاد آور می‌شویم. محققان خوش بین درباره پتانسیل رسانه های اجتماعی برای آسان کردن و ترویج شکل های جدید تعهد سیاسی و زندگی عمومی صحبت می‌کنند. این ایده را که تنها شبکه های مشارکت، شرکت در رای دادن و فعالیت های انتخابات محور است، رد می‌کنند. به عنوان مثال آنها با انجام تحقیقات جدید به این ارزیابی رسیده اند که جوانان، تعهدات مدنی را رها نکرده اند و در عوض شبکه های جدیدی از التزام سیاسی را یافته اند. آنها بر شبکه های جدیدی از سیاست همچون شرکت در اجتماعات مجازی با همتایان و هم فکرانشان بر روی موضوع خاصی تاکید و استدلال می‌کنند که این مسئله تغییر از شبکه های مشارکت انتخاب محور به شبکه های مشارکت دیجیتالی است.

تغییر مشارکت از تاکید بر بسیج سیاسی نسبت به دولت یا موسسات، بر تاکید بر بسیج نسبت به موضوعات و دلایل، این تغییر به وسیله سیاست شخصی و فردی مبنی می‌باشد و مردم بیشتر به وسیله ارتباط شخصی با موضوعات، بازتاب سبک زندگی شخصی شان، به عنوان رابط بین ساخت هویت های سیاسی بر گرد موسسات یا ساختار رسمی بسیج می‌شوند. شخصی سازی سیاست با ظهور پارادایم جدید شهر وندی نیز مرتبط است که جایگزین شکل قدیمی شهر وندی بر مبنای وظیفه و فداکاری شده است. البته مفهوم "سیاست شخصی" با "شخصی سازی سیاسی" که مبنی بر کاریزمای رهبران سیاسی است، متفاوت است. تکنولوژی های دیجیتال، شبکه های ابداعی مشارکت مدنی را آسان کرده اند. این روایت باور دارد که رفتارهای مبنی بر شبکه سازی آنلاین پیوستگی مثبتی با مدنیت و مشارکت سیاسی دارند. ارزیابی انجام گرفته از خدمات جمعی داوطلبانه برای پوستن به اعتراضات یاتظاهرات برای فعالیت های حل مسئله مثبت بوده است.



توسعه سایت های شبکه اجتماعی، امکان تعداد بزرگی از بحث های مجازی را فراهم کرده اند. جمیز اسلوین این تکنولوژی ها را دروازه ای به سوی انواع نوین دادوستدهای اجتماعی، الگوهای جدید وابستگی های دو سویه و فرست های دیواره بازسازی های سیاسی معروفی کرده است. کاستلز نیز رویکرد مشبّتی به این مسئله دارد که امتیاز بزرگ شبکه، دسترسی آسان برای تمام کسانی که حرفی برای گفتن دارند، وجود دارد آن هم بی واسطه منافع قدرتمندی که رسانه های چاپی و کanal های پخش برنامه را کنترل می کنند. برای حضور در صفحه شبکه های جهانی نیاز به ثروت و قدرت نیست. استعداد رسانه ای نوین برای کتاب گذاشتن کanal های نهادمند حاضر، به نظر شناسی بسیاری از افراد را افزایش می دهد و وابستگی شان را به منابع انحصاری گوناگون اطلاعات کاهش می دهد (دریکی، ۱۳۸۹: ۱۷۴).

در روایت دیگر محققان بدین استدلال می کنند که پیوستگی بین استفاده از اینترنت و الترام سیاسی بسیار ضعیف بوده است. این روایت بر این پایه استوار است که استخوانبندی جوامع مدرن از هم گسیخته شده است. نسل جدید از سیاست و زندگی عمومی قطع رابطه کرده است. به ویژه جوانان که در جهان دیجیتال به دنیا آمده اند به طور فزاینده از شکل های مختلف سیاست رسمی مثل رای دادن و عضویت در احزاب بی علاقه شده است و درباره فعالیت های مدنی سنتی چون فعالیت های داوطلبانه در امور عمومی یا وظایف مدنی حس درستی ندارد. در این روایت رسانه های اجتماعی، نقشی محرب دارند و مشارکت کنندگان را از تمرکز بر شکل های مشروع و رسمی مشارکت دور می کنند. پوتانم در مطالعه بر جسته خود (سرمایه اجتماعی و زندگی مدنی در آمریکا ظهور و سقوط جامعه امریکا) "تصویری شکسته" از التزامات مدنی در جامعه معاصر ترسیم می کند. او تمایل مردم به شرکت در انجمن های مدنی و شکل های مشابه را پایین می داند. او این تغییر را به درک فزاینده از ارتباط نزولی بین فرایندهای سیاسی رسمی و مردم آمریکا میداند. پوتانم می نویسد: "اگر شما نقش های بازی و بازیگران را نشناسید و نگران بازخوردها نباشید. به دور از ذهن است که خودتان نقشی بازی کنید. بروس باعتر نظریه ای دارد به عنوان "پلورالیسم شتاب داده شده". این نظریه بیان می کند که نت شتاب دهنده صورت بندی گروه های موضوعی و کنش است. این مسئله ساختار قدرت در آمریکا را تغییر داده است. اما نه به صورت انقلابی یا تغییر کفی به فصلی جدید از تاریخ یا دوره دموکراسی. او می گوید توسعه ارتباطات و تاثیر آن بر روی مشارکت سیاسی وابسته است به میل یا خواسته موجود شخص برای مشارکت، به این معنی که فرد خواهان مشارکت بدون اینترنت نیز این کار را انجام می دهد. فرهنگ سیاسی و درجه آمادگی حکومت برای تعامل با شهروندان باعث می شود که رسانه های اجتماعی پتانسیل ایجاد امکان های جدید مشارکت سیاسی را فراهم کنند. در آخر مقبولیت و اعتماد به رسانه های دیجیتال و استفاده از آنها برای اهداف عمومی در بین شهروندان و داشتن سواد دیجیتال پایه های هر گونه مشارکت دیجیتال است.

این دیدگاه معتقد است که رسانه های جدید، باعث پسزفت انواع گفتمان های نظر خواهانه تر و سنگین تر جامعه مدنی شده است. این رسانه ها در بازاریابی تخصصی و تقسیم توده مردم تخصص یافته اند، و تمایلات



اجتماعی وسیع تر را دچار نابسامانی و جدایی کرده اند. همچنین هابرماس نسبت به تکنولوژی های جدید که به گمان او تعاملات ارتباطی و بدین ترتیب اساس استدلال یک جامعه باز و دموکراتیک را نابود کرده است، بدین است (دریکی، ۱۳۸۹: ۱۵۰). اینترنت به نوعی احساس جامعه گرایی را ترویج می کند اما باید منتظر ماند و دید که آیا این احساس به همبستگی منجر می شود یا خیر (عطاران، ۱۳۸۳: ۱۰۹). در این بخش به اشکال مختلفی که مشارکت سیاسی در شبکه های اجتماعی دارد میر دازیم:

۱-۳. گروه های مجازی سیاسی

گروه های مجازی شکل گرفته در شبکه های اجتماعی از جمله کارکردهای شبکه های اجتماعی است که با ایجاد حس امنیت و آزادی بیشتر، علاوه بر جلب مشارکت بالای سیاسی، بر صراحت پیام ها در تبادلات بین گروهها نیز می افزاید (کیانپور و دیگران، ۱۳۹۲: ۸۹). در شبکه مجازی، تعاملاتی وجود دارد که به واسطه گروه های خبری شبکه ای و اتاق های گفت و گو مشخص می شوند. در سطح جهان دهها هزار از چنین گروه های گفت و گو وجود دارد که پوسته بسیاری از آنان از بین می روند و گروه های جدیدی تشکیل می شوند. همچنین کلیه اشکال مختلف ارتباط شبکه ای که توسط انواع نهادها و گروه ها صورت می گیرد، جنبه مهمی از این ارتباطات افراد با یکدیگر در سطح وسیع است. مردم با یکدیگر نه تنها برای گفت و گو بلکه برای انجام کار در جهت اهداف سیاسی ارتباط برقرار می کنند. البته استفاده از اینترنت برای اهداف سیاسی و جست و جوی اطلاعات جدی در اقیت قرار دارد. وقتی افراد در گیر گروه ها و انجمن های داوطلبانه می شوند، هم از نظر فردی و هم از نظر اجتماعی منفعت می برند. در حال حاضر اینترنت در حال تغییر راههایی است که ما با هم ارتباط برقرار و سازماندهی می کنیم و اجتماعی می شویم و به ویژه انقلاب اینترنت باعث ایجاد گروه های آنلاین شده است که در کارکرد شیوه گروه های آفلاین هستند.

امروزه همزمان با کاهش شکل گیری گروه های آفلاین؛ گروه های آنلاین در حال رشد هستند. تحقیقات نشان داده است که عضویت در گروه های آنلاین باعث افزایش مشارکت سیاسی آنلاین شده است. عضویت در این گروهها باعث رشد التزامات سیاسی از طریق چندین مکانیسم شده است. عضویت در گروه، باعث باز شدن راه برای بحث و مکالمه می شود که جزو جدا ناشدنی فرآیند یادگیری و منجر به تصمیم سازی و افزایش سطح مشارکت می شود. این گروه ها باعث تبدیل شدن شبکه ها به مرکزی برای تبادل اطلاعات و کم هزینه تر کردن بحث ها و مناظرات می شود. این گروه ها با کم ترین امکانات مادی و مقررات دست و پاگیر، باعث اشتراک ارزش ها و ایده ها می شود. در جهت دیگر اینترنت ممکن است باعث بالارفتن امکان "ظاهر شدن گرینشی" شود. جریانی که به وسیله آن افراد با گرینش گری پیام های دلخواه خود، خودشان را بیشتر در معرض دید قرار می دهند. با این مزیت گرینش گری، افراد در جریان



وب گردی تنها گروههایی را انتخاب می‌کنند که در بحث‌های سیاسی با آنها هم رای باشند. بنابراین گروههای آنلاین ممکن است منجر به کوتاه‌بینی‌های ایدئولوژیکی شود.

زمان رویارویی (چهره به چهره) مولفه مهمی برای ترغیب افراد به مشارکت است. برخوردهای فیزیکی باعث شکل گیری اعتماد افراد به هم می‌شود. چون اینترنت باعث نمی‌شود افراد با هم برخورد فیزیکی داشته، یا باعث افزایش مسئولیت پذیری افراد نمی‌شود، به طور بالقوه باعث آسیب به تاثیرات همبستگی افراد می‌شود. البته برخی محققان اعتقاد دارند که دو شکل ارتباط آنلاین و آفلاین بسیار شبیه هم و حتی مکمل همدیگر هستند. هر چند تاثیر گذاری گروههای آنلاین وابسته به نوع بحث و کیفیت نظرات ارائه داده شده است.

۳-۲. بحث‌های سیاسی مجازی

بحث سیاسی به جزئی از یک مذاکره یا گفت و گوی سیاسی گفته می‌شود که بین دو نفر از اعضای غیرنخبه جامعه سیاسی روی می‌دهد. مذاکرات سیاسی نه تنها باعث مبالغه اطلاعات می‌شود، بلکه چارچوبی تفسیری برای تفسیر اطلاعات ارائه می‌دهد. با اشاعه اینترنت، بحث‌های رایانه‌ای نیز به بحث‌های چهره به چهره افزوده شده است، بحث‌های آفلاین به صورت بصری است و بحث‌های آنلاین به صورت نوشته و شاید غیر همزمان و در شرایط گمنامی است. اگر گمان بودن هزینه‌های بحث سیاسی را پایین آورد و باعث انتقال بهتر مفاهیم به صورت نوشته شود، باعث بالارفتن امکان مشارکت سیاسی می‌شود و بر عکس اگر گمنامی باعث تبادلات غیر متمدنانه شود و محتوای وب باعث حواس پرتی افراد شود بحث‌های آنلاین باعث تاثیر کمتر از بحث‌های چهره به چهره می‌شود.

بحث‌ها بین افراد مختلف با درجه صمیمیت بالا و پایین نیز در این فرایند رخ می‌دهند. بحث‌های میان دوستان معمولاً با اعتماد، احترام، نفوذ و احترام متقابل است. اما بحث کردن با بازدیدکننده‌ها و غریبه‌ها از صمیمیت کمی برخوردار است. درجه همبستگی قوی شبکه‌ها یا همبستگی ضعیف شبکه‌ها به عنوان دو نوع از بحث‌های شبکه‌ای مطرح است که تاثیر متفاوتی بر مشارکت سیاسی دارد. مطالعات نشان داده است که همبستگی قوی شبکه‌ها عامل کلیدی برای یارگیری سیاسی و مشارکت است. برخی عکس این تحلیل را انجام می‌دهند.

در قلمرو سیاسی، همبستگی کم باعث جایه‌جایی اطلاعات، تحریک سیاسی و عرضه فرصت‌های جدید برای مشارکت می‌شود. ویژگی مشخص بحث‌های شبکه‌ای توسعه مشارکت سیاسی آنلاین است و این بحث‌ها جزء مهمی برای تعهدات مدنی شهروندان است. بنابراین موافقت یا مخالفت در این بحث‌ها دو مسئله متصاد با هم نیستند. هر دو به یک اندازه بر مشارکت سیاسی افراد تاثیر گذار است. پس بحث‌های گروهی سیاسی می‌توانند باعث وحدت و انسجام بین افراد شود و از هم گسیختگی و ذره‌ای شدن افراد که موجب کم اثر شدن فرد و انفعال سیاسی می‌شود جلوگیری شود.



۳-۳. اخبار سیاسی آنلайн

تحقیقات انجام شده نشان داده است کاربرانی که از شبکه های اجتماعی به دلایل سیاسی استفاده کرده اند بازدید از صفحه کاندیداها، فرستادن پیام برای آنها برای مشارکت در فعالیت های مدنی علاقه مندتر بوده اند. شبکه های اجتماعی برتری ویژه ای برای راهپیمایی های انتخاباتی دارند. این شبکه ها اهمیت زیادی برای کاربران به مثابه منع اطلاعات سیاسی به خصوص برای جوانان دارد. همچنین کاربران شبکه های اجتماعی اعتبار اخبار شبکه های اجتماعی را بالا و با اعتبار ارزیابی کرده اند. کسانی که بیشتر اخبار آنلайн را مطالعه می کردند، بیشتر علاقه مند به دیگر شکل های مشارکت آفلاین از خود نشان داده اند. شبکه های اجتماعی مکان هایی هستند که بیشترین حجم اطلاعات و اخبار در آنان مبادله می شود اما ممکن است درصد کمی از آن مربوط به امور عمومی است یا همانند تلویزیون محتوای بیشتری مربوط به سرگرمی است و بخش اخبار کوتاه است. البته با این تفاوت که سایت های شبکه اجتماعی با زندگی خصوصی در هم پیوسته است.

مردم مطمئناً از شبکه های اجتماعی بیشتر برای ساخت هویت شخصی، روابط اجتماعی یا سرگرمی استفاده می کنند. هرچند هیچ دلیل منطقی وجود ندارد که مردم نتوانند از این شبکه ها برای امور عمومی استفاده کنند. شواهد یک مورد مطالعه در انتخابات سال ۲۰۰۸ آمریکا وجود دارد که در آن مردم اخبار گوناگون را از سازمان های خبری مختلف مانند هاینگتون، نیویورک تایمز و سی ان ان، در پروفایل های خود منتشر می کردند. بر این اساس شبکه های اجتماعی می توانند برای دسترسی به اخبار مورد استفاده قرار گیرند و این امر باعث بالا رفتن سرمایه اجتماعی فرد و تاثیر مثبت بر روی مشارکت و التزام سیاسی هم در حالت آفلاین و هم در حالت آنلайн دارد. پس طبق این فرض هویت سیاسی افراد و جهت گیری روانشناسی آنان تاثیر زیادی بر روی تمایل آنان برای پیوستن به مشارکت های مدنی و فعالیت های سیاسی دارد. شکل استفاده از رسانه برای کسب اطلاعات یا ساخت اجتماعی، کمک مثبتی برای مشارکت مدنی دارد. به همین ترتیب، استفاده از رسانه برای سرگرمی مانند تماشای شوهای آنلайн و فیلم ها، تاثیر منفی بر التزامات مدنی دارد. رسانه خبری مانند برنامه های اخبار می تواند رفتارهای مدنی را با استفاده از استدلال ها و اطلاع از جزئیات رویدادها گسترش دهد. فرایند ارتباط بین افراد با استفاده از مبادله اطلاعات بر رفتار و جهت گیری فکری مردم تاثیر زیادی دارد.

از راههای مختلفی می توان از رسانه های اجتماعی برای مشارکت سیاسی استفاده کرد که می توان آنها را طبق نحوه جهت دهنده تعاملات (حکومت با شهروندان یا شهروندان با حکومت) تقسیم بندی کرد.

۴-۳. جنبش (پویش) اجتماعی در بستر شبکه های اجتماعی مجازی

جنبش های اجتماعی از جمله کنش ها و تعاملاتی است که از پایین به بالا و برای تاثیر گذاری بر حکومت، طبق علائق شرکت کنندگان است. مبارزات نمادین برای درک جهان اجتماعی می تواند دو شکل متفاوت



به خود بگیرد. از جنبه عینی می‌تواند از طریق کنش‌های بازنمایی فردی یا جمعی به قصد نمایان کردن و ارزش دادن به برخی از واقعیت‌ها باشد (بون ویتر، ۱۳۸۹: ۱۱۴). در جنبش‌های اجتماعی معاصر توجه بر آنچه زیست-جهان نامیده می‌شود، عواملی چون هویت، زندگی شخصی، همسایگی، جنسیت و روش زندگی تمرکز یافته است و در حوزه سیاست نیز دنیال تغییرات اساسی در نحوه زندگی اجتماعی، به خصوص در حوزه دموکراسی و جامعه مدنی هستند. یک جنبش اجتماعی شبکه‌ای از تعاملات غیررسمی بین افراد، گروهها یا سازمانهاست که بر مبنای یک هویت جمعی مشترک در برخورداری سیاسی و فرهنگی در گیر هستند (نش، ۱۳۸۷: ۱۸۱).

رسانه‌های اجتماعی از چند طریق می‌توانند بر جنبش‌های اعتراضی تأثیر بگذارند: نخست رسانه اجتماعی می‌توانند با سرعت بسیار زیادی به شکل گیری جنبش کمک کنند. دوم رسانه اجتماعی می‌تواند نقش با اهمیتی در به کار گیری افراد در جنبش بازی کند. سوم وقتی جنبش کاملاً در حال نوسان است، رسانه می‌تواند اطلاعات مخاطبان در مورد آنان را گسترش دهد. رسانه اجتماعی می‌تواند دریافت اطلاعات برای محاسبه هزینه‌های بالقوه یا مزایای مشارکت در جنبش را مشخص نماید و رسانه‌ها امروزه به راحتی می‌توانند با فشار یک دکمه صفحه کلید کامپیوتر یا گوشی هوشمند، پیام‌های افراد در گیر در جنبش را به صدها و هزاران فرد برسانند. به علاوه این افکار از طریق شبکه‌هایی که خود افراد آنها را ساخته‌اند مانند شبکه‌های دوستان، در شبکه‌های اجتماعی منتقل می‌شوند. وقتی این اطلاع‌یابی‌ها از طریق این شبکه‌های شخصی انتقال داده می‌شوند، درجه تأثیر آن بر روی افراد بسیار بیشتر از آن است که بخواهند از طریق اخبار آگاهی پیدا کنند. سازماندهی جنبش‌ها از طریق امکان ایجاد انجمان‌های مجازی به آسانی انجام می‌شود. این رسانه‌ها می‌توانند با تسهیم اطلاعات، کارکردهای مختلف را برای افراد متفاوت تعیین نمایند، رژیم‌ها را وادار به پاسخ گویی کنند، اطلاعات مختلف را برای مقابله با پلیس ضد شورش انجام دهند و کمک‌های پزشکی را برای آسیب دیدگان به سرعت فراهم نمایند.

در زمان‌هایی که بازتاب تحولات فضای مجازی در قالب سیاست به معنای سنتی آن نمود نمی‌یابد، بلاfacile سخن از انسداد سیاسی یا پوپولیسم محکوم به شکست به میان می‌آید یا تحلیل‌ها در چارچوب بدینی ناشی از عدم سازماندهی و یکسانی مطالبات و در نتیجه در نظر نگرفتن جایگاه برای آنان در سیاست رقم می‌خورد. لذا نمی‌توان پذیرفت جنبش‌هایی که در محیط مجازی شبکه‌های اجتماعی رشد کرده‌اند در سیاست نقش تعیین کننده‌ای دارد. در عین حال انسداد سیاسی را در ارتباط با جنبش‌های اجتماعی به گونه‌ای تعریف می‌کنند که انگار نمی‌تواند تولد حوزه‌های جدید برای عرض اندام سیاسی یافتد و تنها سیاست را باید در نهایت در پای میز مذاکره و دادوستد‌های معمول سیاسی در فضاهای از پیش تعیین شده به دست آورد (درییکی، ۱۳۸۹: ۱۵۰).



۳-۵. حکومداری خوب

مفهوم حکمرانی خوب بر همیاری حکومت و جامعه مدنی مبتنی است. این مفهوم بر این اصل بنیادی سیاسی استوار است که حکومت‌ها به جای آن که به تنها مسئولیت کامل اداره جامعه خود را در تمام سطوح آن بر عهده گیرند، بهتر است در کنار شهروندان، بخش خصوصی و سازمانهای مردم نهاد، به عنوان یکی از نهادها یا عوامل مسئول اداره جامعه خود محسوب شوند. رسانه‌های اجتماعی، قابلیت عرضه طیف بالقوه‌ای از حکومداری ابتکاری و یافتن راههای جدیدی برای تعامل حکومت و شهروندان را دارا هستند، مانند استماع خواست شهروندان و عقایدشان و همچنین درگیر کردن آنان در تعیین دستور کار و فرآیند تصمیم گیری. همچنین با گسترش شفاقت و مسئولیت پذیری و بهبود خدمات اجتماع محور، بیشترین پتانسیل استفاده از رسانه‌های اجتماعی برای حکمرانی خوب، قدرت گرفتن ارتباط مستقیم و تعامل بین حکومت و شهروندان است. حکومت‌ها می‌توانند بدون فیلتر رسانه‌های جمعی، به شهروندان دسترسی داشته باشند. این رسانه‌ها منبعی مجازی از اطلاعات هستند برای حکومت‌هایی که می‌خواهند وظایفشان را بر اساس تدبیر انجام دهند. رسانه اجتماعی می‌تواند در مراحل مختلفی از فرآیند حکومت داری خوب به کار برد شود. همچون تعیین دستور کار، ایجاد علاقه عمومی به مشکلات عمومی یا استفاده از رسانه اجتماعی برای جمع آوری نظرات یا ایده‌ها برای درگیر کردن شهروندان در فرآیند تعیین دستور کار و تعریف موضوعات مربوط به حوزه عمومی.

طرح کردن خط مشی‌ها: رسانه‌ها برای مطلع کردن و مشورت با عموم و جمع آوری ورودی برای تدوین خط مشی‌های جدید به کار بردند می‌شوند.

نظارت و ارزشیابی: رسانه‌های اجتماعی را می‌توان برای دیده شدن نظرات و پایش آنها به کار گرفت. حکمرانی، پیامد تعامل دولت و شهروندان از طریق فرآیند سیاسی، توسعه سیاستگذاری، طراحی برنامه و ارایه خدمت است. شبکه‌های اجتماعی با افزایش شفاقت حکومت، باعث قوی تر شدن شهروندان در مقابل حکومت می‌شوند. با استفاده از اطلاعات تعییه شده در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، شهروندان در دسترسی بی سابقه‌ای به حکومت‌ها پیدا کرده‌اند. این مسئله باعث نزدیکی فرهنگی مردم و حکومت‌ها می‌شود. همکاری نزدیک حکومت و شهروندان باعث می‌شود دستگاههای حکومتی و شهروندان به سرعت تغییرات و خط مشی‌های حکومتی را هماهنگ کنند. این شبکه‌ها این پتانسیل را دارند که باعث کاهش فساد و قدرتمندتر شدن شهروندان در فرآیند تصمیم سازی باشند و باعث قوی تر شدن سیستم کنترل و توازن شود. البته این مسئله وابسته به بخش‌های مختلفی اعم از بازیگران فردی، سازمان‌ها و سیستم سیاسی اقتصادی است.



نتیجه‌گیری

با تغییر ویژگی‌های ارتباطی افراد جامعه، از طریق رسانه‌های نوین اجتماعی، همچون شبکه‌های اجتماعی، میزان و نحوه مشارکت افراد جامعه در فرایند های سیاسی نیز متفاوت تر از قبل است. مشارکت افراد جامعه به شکل کنش‌ها یا تصمیمات سیاسی روز به روز با تعاریف سنتی انجام گرفته از این مفهوم متفاوت تر می‌شود و ویژگی‌های جدیدی پیدا می‌کند که مطابق با زندگی و سطح فرهنگی شهروندان جوامع جدید است. شیوه‌های مشارکت افراد به طور روزافزونی به سوی سیاست‌های شخصی و مطابق با زندگی شخصی افراد سامان می‌گیرد و بدینی به رسانه‌های جمعی و سنتی همچون تلویزیون و بنگاه‌ها و موسساتی که خواهان کنترل بر روند زندگی افراد هستند، باعث روى آوردن بيشتر افراد جوامع اعم از توسعه یافته یا در حال توسعه، به سوی شبکه‌های اجتماعی و شرکت در زندگی مجازی و زندگی مطابق با افکار و اخلاقیات خود شده است. به طبع این شیوه از شبکه بندی اجتماعی، بر روند های سیاسی جامعه و تعاملات شهروندان با حکومت یا حکومت با شهروندان تاثیر زیادی گذاشته است. رشد روز افزون جنبش‌های نوین اجتماعی، ناشی از شخصی شدن روند سیاست و تاثیر زیاد شبکه‌های اجتماعی بر روی این روند است. به گونه‌ای که با استفاده از این شبکه‌ها سازمان یابی و هویت گیری مشترک افراد در گیر در این گروهها و یارگیری برای جنبش بسیار سهل و آسان شده و تاثیر مشارکت سیاسی افراد در این شبکه‌ها، در جنبش‌ها بسیار آشکار است.

قابلیت‌های شبکه‌های اجتماعی، امکانی بی نظیر را برای افراد ایجاد کرده تا بتوانند به آسانی از سراسر مرزهای کشورها یا حتی فراتر از مرزها به عنوان یک جامعه مطرح شوند و امکان ارتباط و تعامل با هم و با اشتراک علایق و مشکلاتشان به نزدیکی فکری بیشتری دست یابند. افراد و کاربران از طریق امکان گفت و گوهای آنلاین با افراد مختلف با علایق و طبقات گوناگون یا مناظرات با مخالفان فکری خود، علایقشان تراش خورده و صیقل یابد و از این میان محرك‌های بیشتری برای شرکت در سیاست و فعالیت‌های مدنی پیدا کنند. البته خوش بینی محض به این شبکه‌ها نمی‌تواند محدودیت‌های این شبکه‌ها چه از نظر امکانات یا از جنبه زمینه یا فرهنگی که کاربران در آن زمینه قرار دارند را نادیده بگیرد.

بسیاری از محققان این شبکه‌ها را تنها ابزاری می‌بینند که می‌تواند با ادغام در زمینه فرهنگی و ساختار اجتماعی که کاربران در آن قرار دارند جنبه مثبت یا منفی بر مشارکت سیاسی ایفا کند. زیرا در بسیاری از جوامع، کاربران حتی نمی‌توانند آزادانه و بدون ترس از هزینه‌های سیاسی، در این شبکه‌ها مشارکت کنند و مشارکت در این شبکه‌ها تنها محدود به اهداف سرگرم کننده و برخی اوقات محل روند گذار به دموکراسی است. در برخی از مناطق همچون روستاهای نیز کمبود امکانات ارتباطی باعث نابرابری بین این جوامع و جوامع شهری و برخوردار شده است و این جوامع روز به روز از هم دورتر و بیگانه‌تر می‌شوند. اختلاف بین محققان در مورد اثرات شبکه‌های اجتماعی بر مشارکت سیاسی چه به عنوان نقش مختلف کننده یا نقش مثبت، باعث واقع بینی بسیار بیشتر از قبل شده است و محققان بدون پیش داوری و هیجان



زدگی، نقش این شبکه ها بر فرایند دموکراتیک کردن جامعه یا روند گذار جوامع به دموکراسی را مورد بررسی قرار می دهد و جنبه های مثبت و منفی این شبکه ها بیش از پیش آشکار شده است.



فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی

فهرست منابع و مأخذ

- اسلوین، جیمز (۱۳۸۰)، اینترنت و جامعه، ترجمه عباس گیلوری و علی رادباوه، تهران: نشر کتابدار.
- اکسفورد، بری، هاگینز، ریچارد (۱۳۸۵)، رسانه‌های جدید و سیاست، ترجمه بابک دربیکی، تهران: نشر پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- آبرکرامی، نیکلاس، استفن هیل و برایان اس. ترنر (۱۳۶۷)، فرهنگ جامعه شناسی، ترجمه حسن پویان، تهران: نشر چاپ پخش.
- بابایی، محمود، فهیمی فر، سپیده (۱۳۹۲)، ویژگی‌های رسانه‌های نوین و الگوهای ارتقاطی، فصلنامه مطالعات ملی و کتابداری و سازماندهی اطلاعات، سال چهارم، شماره ۲۴.
- بون ویتز، پاتریس (۱۳۸۹)، درس‌هایی از جامعه شناسی پیر بوردیو، ترجمه: جهانگیر جهانگیری، حسن پورسخیر، تهران: نشر آگه.
- حافظ نیا، محمدرضا، قالیاف، محمدباقر، ملاحیستی اردکانی، رضا (۱۳۹۱)، قابلیت هایر فناوری اطلاعات در اجرای دموکراسی مستقیم، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال هفتم، شماره چهارم.
- خلیلی، محمد (۱۳۸۸)، تاثیر شبکه‌های اجتماعی بر جوانان، سایت آفتاب قابل دسترس در:

http://www.aftabir.com/articles/view/social/communications/c4_1388295747pfl.php

- دربیکی، بابک (۱۳۸۹)، مشارکت رسانه‌های جدید در قلمرو سیاست. نشریه پژوهشنامه رسانه و مشارکت سیاسی، شماره پنجاهم. قابل دسترس در:

<http://csr.ir/departemants.aspx?abtd=05&&depid=62&semi d=441>.

- دورماگن، ژان ایو، موشار، دانیل (۱۳۸۹)، مبانی جامعه شناسی سیاسی، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: نشر آگه.

- سردارنیا، خلیل الله (۱۳۸۸)، اینترنت، جنبش‌های اجتماعی و بسیج اعتراض‌ها: بررسی نظری و مصداقی چند جنبش اجتماعی، پژوهش‌های ارتقاطی، سال شانزدهم، شماره ۴.

- عالم، عبدالرحمن (۱۳۸۳)، بنیادهای علم سیاست، تهران: نشر نی.

- عالی زاده، اسماعیل (۱۳۸۷)، مشارکت سیاسی و تنوع رفتار رای دهنده‌گان، نشریه فرهنگ اندیشه، سال هفتم، شماره ۲۶.

- کوزر، لوئیس (۱۳۹۰)، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر علمی.

- مسعود نیا، حسین، محمود اوغلی، رضا، رهبر قاضی محمود رضا، فروغی، عاطفه (۱۳۹۰)، بررسی رابطه مصرف اینترنت با رویکرد و مشارکت سیاسی، نشریه دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تبریز، سال ۱۴، شماره‌های ۳۴-۳۵.



- نش، کیت (۱۳۸۷)، جامعه شناسی سیاسی معاصر جهانی شدن، سیاست، قدرت، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران: نشر کویر.
- اسلامی، مروارید (۱۳۸۹)، بررسی شبکه‌های اجتماعی و تأثیرات آن‌ها بر ابعاد مختلف زندگی، قابل دسترسی در : Http://civilica.com/paper-nopadid01_nopadid01_018.